

ترسیم مینوش یآوری



تصویر ۲- برگرفته google map

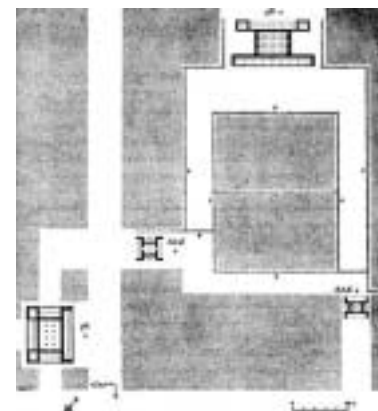
## نورسته‌های باغ ایرانی

فریار جواهریان

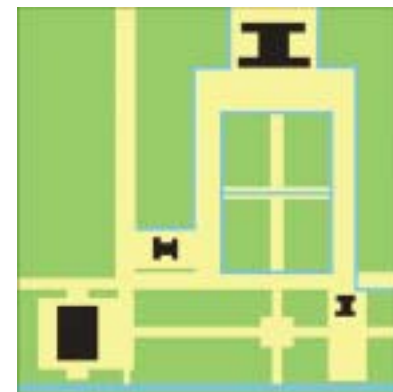
نقشه اولیه استروناخ (تصویر ۳) پس از اتمام حفاری، هنوز هیچ نشانی از باغ چهار بخشی ندارد. در صورتیکه در نقشه بعدی او (تصویر ۴)، ۲ باغ مستطیل شکل به چهار قطعه تقسیم شده است.



ترسیم مهوش عالمی



تصویر ۳- نقشه اولیه



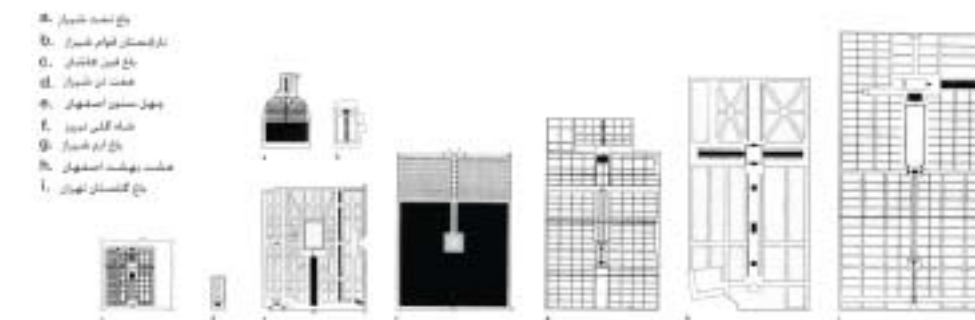
تصویر ۴- نقشه بعدی دیوید استروناخ

از سوی دیگر باید به تفسیرهای تصویری از کتاب «ارشاد الزراعه» رجوع شود. این کتاب که توسط هروی در دوره تیموری نوشته شد در واقع مانند دستور العمل ساخت باغ ایرانی با تمامی جزئیات کاشت آن و حتی دستوراتی در مورد پخت مرباهای متفاوت ارائه می دهد و به جزئیات کشاورزی می پردازد. سه باغ شناس توصیفات نوشتاری این کتاب را به صورت نقشه باغ ایرانی ترسیم نمودند: مهوش عالمی، ماریا سوبتلی و مینوش یآوری.

از میان این سه تن فقط برداشت مینوش یآوری این بوده است که باغ ایرانی، باغ چهار قسمتی است، در حالیکه برداشت عالمی و سوبتلی آن را تک-محور فرض نموده‌اند.

از زمان آغاز کار جهت برگزاری همایش و نمایشگاه «باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید»، ۹ سال می‌گذرد. من کمی بیش از ۱۰ سال است که روی مقوله «باغ ایرانی» کار می‌کنم و ده سال در طول یک عمر، زمان کوتاهی است. استادان بزرگ باغ‌شناسی ایرانی بیش از ۳۰ سال است که روی این موضوع مطالعه نموده‌اند، استادانی چون رضا (منوچهر) مقتدر که کتاب «باغ ایرانی» را به انگلیسی منتشر نمود و همزمان با همایش به فارسی ترجمه شد و به چاپ رسید، یعقوب دانشدوست که بزودی کتاب «پیدایش باغ ایرانی» را منتشر می‌نماید، یا مهوش عالمی که اخیراً در موسسه دامبرتن اوکس وابسته به دانشگاه هاروارد طی یکسال، تحقیقات خود را روی باغ‌های صفوی کامل‌تر نموده است. در اینجا دوست دارم تلاشی کوچک جهت رفع چند ابهام راجع به باغ ایرانی بنمایم و سپس به کهن - الگوی باغ ایرانی بعنوان الگوواره‌ای زنده و پویا و قابل استفاده در حیطه طراحی منظر معاصرمان بپردازم.

همانطور که مهوش عالمی در «نخستین همایش بین‌المللی باغ ایرانی» در سخنرانی خود بیان نمود و نیز ایو پورتر در مقاله‌ای که همان زمان در کاتالوگ «فرش‌های باغی» نوشت، باغ ایرانی به صورت عینی «چهار باغ» نیست، بلکه عبارتی نمادین بر حسب صور و ارکان است. در واقعیت باغ ایرانی یک محور طولی اصلی دارد و محورهای عرضی، همه فرعی هستند. در میان این محورهای عرضی، هیچ کدام اصلی‌تر نیست و بر دیگری رجحان ندارد که بتوان گفت با محور اصلی صلیب ایجاد می‌کند، بنابراین نمی‌توان چهار باغی را به عنوان یک پدیده فیزیکی معرفی نمود.



تصویر ۱: برگرفته از کتاب چالز مور «بوطیقای باغ»

اگر به پلان اکثر باغ‌هایمان دقت کنیم (تصویر ۱) فقط در مورد باغ هشت بهشت می‌توان دو محور اصلی عمود بر هم را مشاهده کرد. حتی در باغ فین هم نمی‌توان «چهارباغی» را عیناً دید زیرا ۲ محور طولی موازی بهم وجود دارد که تقریباً هر دو یک عرض دارند. بنابراین این می‌بینیم که تنها چهار کرت بزرگ، یا ۱۶ یا ۳۲ کرت نداریم. به گفته‌ای «چهار باغ» به چهار گوشه جهان یا به تقسیم جهان به چهار قطعه، یا نماد دو رود که همدیگر را قطع می‌نمایند و چهار کرت ایجاد می‌کنند ما را ارجاع می‌دهد اما این تنها یک تمثیل است و بس.

آنچه که به وضوح لمس می‌کنیم این است که یک محور اصلی طول شیب طبیعی باغ را طی می‌کند، که همان مسیر اصلی آب است و محورهای عرضی متعددی آن را قطع می‌نمایند.

سر آغاز این اشتباه که پنج دهه است بر همه مقالات و کتاب‌های باغ ایرانی سایه انداخته است را باید در پیش فرض دیوید استروناخ جستجو کرد. پس از حفاری‌های مانده‌های باغ پاسارگاد، استروناخ در نقشه دو کرت باغ، ۲ شکل صلیبی ترسیم نمود و آنها را «چهارباغ» معرفی کرد، در صورتیکه عکس‌های هوایی پاسارگاد یک مسیر جوی و حوض را نشان می‌دهند (تصویر ۲).



ترسیم ماریا سوبتلی

تصویر ۵- سه خوانش «باغ ایرانی» از کتاب ارشادالزراعه



تصویر ۱۲- آبنمای اصلی

گودال باغچه یک مربع کامل است که در چهار گوشه آن چهار درخت انار کاشته شده است. کتابخانه‌ای که به این گودال باغچه باز می‌شود نیز یک مربع کامل است و مجموعه‌ای کاملاً سنتی تشکیل داده است. به همین منظور از پنجره‌های قدیمی (ای کاش شیشه رنگی هم داشتند) در این کتابخانه استفاده شده است.



تصویر ۱۳- پنجره کتابخانه



تصویر ۱۴- محور گودال باغچه



تصویر ۹- ابتدای محور اصلی

تصویر ۱۰- ادامه محور اصلی

محور عرضی کوتاه آن را قطع نموده و با مکان‌های مهم ساختمان، ورودی و خروجی ایجاد کرده‌اند و به سایر نقاط مهم باغ منتهی می‌شوند: اولی به زمین تنیس، دومی به گودال باغچه‌ای که در آن کتابخانه قرار دارد و سومی به آلاچیق و مهتابی که روی آبنمای وسیعی نشسته است. چهار راه کوتاه دیگر به این محور اصلی متصل هستند که سایر مکان‌های فرعی ساختمان را به آن می‌رسانند.

محور اصلی دو جوی در دو سوی خود دارد که آب آنها از آبخاری عمودی در ابتدای مسیر در بالاترین نقطه پله‌ها سر چشمه می‌گیرد و به آبخاری افقی و بسیار عریض در انتهای محور ختم می‌شوند و به داخل آب نما می‌ریزند. کف جوی‌ها با سنگ‌های قلوه‌ای و ماهی شکل پوشانده شده است که یاد آور سینه کبکی‌های سابق است. دو محور طولی ثانوی داریم که به موازات محور اصلی حرکت می‌کنند: اولی از سکوی مهتابی از روی آب نما حرکت می‌کند و با شیبی ملایم به گودال باغچه می‌رسد و در واقع با محور اصلی U شکلی را ایجاد می‌کند. این محور در وسط خود جویی دارد که از آب‌نما به حوض مرکزی گودال باغچه می‌ریزد؛ دومی، کناره آب نما را طی می‌کند و به یکی از محورهای عرضی ختم می‌شود.

تصویر ۱۱- سنگفرش کف جوی‌ها



مقدار آب هدر رود، یعنی یک چرخه کاملاً پایدار بوجود می‌آورده است. حال باید دید که آیا استفاده از پمپ‌های برقی برای کشیدن آب از چاه و جاری نمودن آن در جوی‌ها و آب‌نماها، شیوه آبیاری مناسبی است؟ آیا این شیوه آبیاری مدرن با آن شیوه طبیعی که آب را در باغ می‌آورد، در آن می‌چرخاند، و سپس بیرون می‌برد، قابل قیاس است؟ باغبان ایرانی قدر هر قطره آب را می‌دانست، اما اکنون هم قدر آن را نمی‌دانیم و هم دانش آیمان را از دست داده‌ایم.

باغ به لطف حضور رستنی‌ها، باغ است و نگهداری آن‌ها بسیار دشوار. باید به طور مداوم درخت‌های مریض و مرده را جایگزین نمود تا همچنان باغ زنده بماند. از همه مهمتر این است که باید به فکر ساختن باغ‌های ایرانی جدید باشیم. پارک‌هایمان، فضاهای سبز، کمربندی‌های سبز، این همه واژه‌های غربی برای تعریف فضاهائی که می‌توانند باغ باشند و بخصوص باغ ایرانی، و ما همه این فرصت‌ها را از دست داده‌ایم. در چند سال اخیر هرگاه که «محوطه سازی» جزو شرح خدماتمان بوده، ما واژه «باغ‌سازی» را جایگزین نمودیم و سعی کردیم از الگوی باغ ایرانی بهره بگیریم. یکی از این پروژه‌ها را که در لواسان قرار دارد با اصول باغ ایرانی طراحی نمودیم که بیشتر به آن می‌پردازم.



تصویر ۸- پلان باغ لواسان (ترسیم سید صالح نیاکونی)

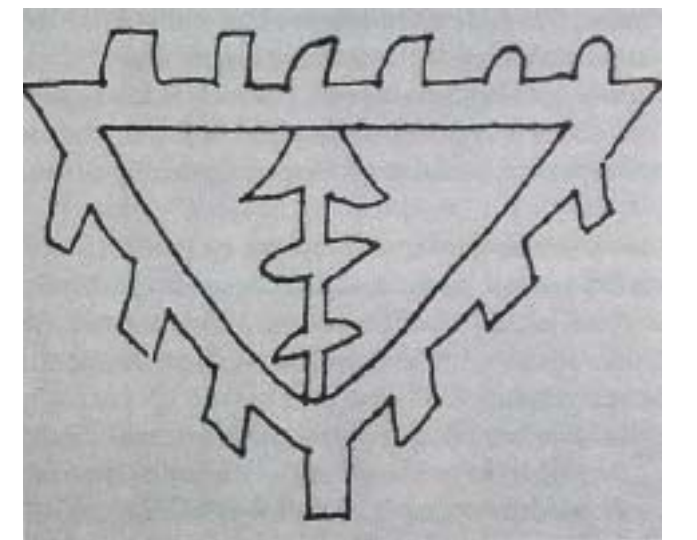
در باغ لواسان، یک محور اصلی طول باغ را از غرب به شرق طی می‌کند و روی شیبی تند (بیش از ۲۰ درصد)، از خیابان خود را به رودخانه می‌رساند. شیب این محور، گاه با پله‌های بسیار عریض - کل عرض محور- گاه به صورت رمپ، طی می‌شود. ابتدای آن آبخاریست که در حوضچه‌ای می‌ریزد و از زیر محور به دو جوی تقسیم می‌شود و در انتهای آن دریست که به ساحل رودخانه باز می‌شود. از آنجا که این محور به صورت موازی با ساختمان حرکت می‌کند، سه

کاملاً طبیعی است که میل به عینیت یابی «چهارباغ» در همه باغ‌شناسان وجود داشته است و استروناخ، مقتدر و یآوری هم از این قافله مستثناء نبوده‌اند. این ارکان که در اوستا و سپس در قرآن به صورتی شاعرانه تفسیر شده است، فقط یک پدیده ذهنی است، گاه حتی فقط یک نام است مثلاً خیابان «چهارباغ» در اصفهان که علناً هیچ باغ چهار- قسمتی را تداعی نمی‌کند. خود واژه «خیابان» نیز ریشه جالبی دارد: خیابان در فارسی قدیم یعنی مکانی که در آن آب و درخت وجود دارد، بر عکس واژه «یبابان». بنابر این از دیدگاه باغ شناسانی چون عالمی، پورتر، سابلتنی و فرچایلد راگلز، باغ ایرانی فقط یک محور اصلی دارد، یعنی یک ستون فقرات و «چهارباغ» عنوانی است انتزاعی.

در زمان برگزاری همایش و نمایشگاه «باغ ایرانی»، قدمت باغ ایرانی را پنج الی شش هزار ساله تخمین زدیم. مَه‌ری از تمدن پروتو- ایلامی ( تصویر ۶) با قدمت ۲ الی ۳ هزار سال قبل از میلاد بود که در پوپ یافته بودم و گواه می‌داد که ایلامی‌ها باغ دارند. سپس کتاب همایش «طبیعت، معماری و کثرت» که در ناپل در سال ۱۹۹۹ برگزار شده بود به دستم رسید و در آنجا مَه‌ر دیگری از تمدن ایلامی یافتیم که قدمت آن به ۵ الی ۶ هزار سال قبل از میلاد باز می‌گشت (تصویر ۷) و باغ محصور را نشان می‌داد. بنابر این پیدایی باغ ایرانی را نسبت به ۶ سال پیش، سه هزار سال کهن‌تر می‌توان گمان زد. اسناد باستانشناسی تاکنون نشان می‌دهند که اولین باغ‌ها در مصر، ۱۲ هزار سال قبل از میلاد ساخته شده‌اند، ولی هنوز این امید را دارم که با کاوش‌های جدید در کشورمان، ثابت کنیم که باغ ایرانی، نخستین باغ زمینی بوده است.

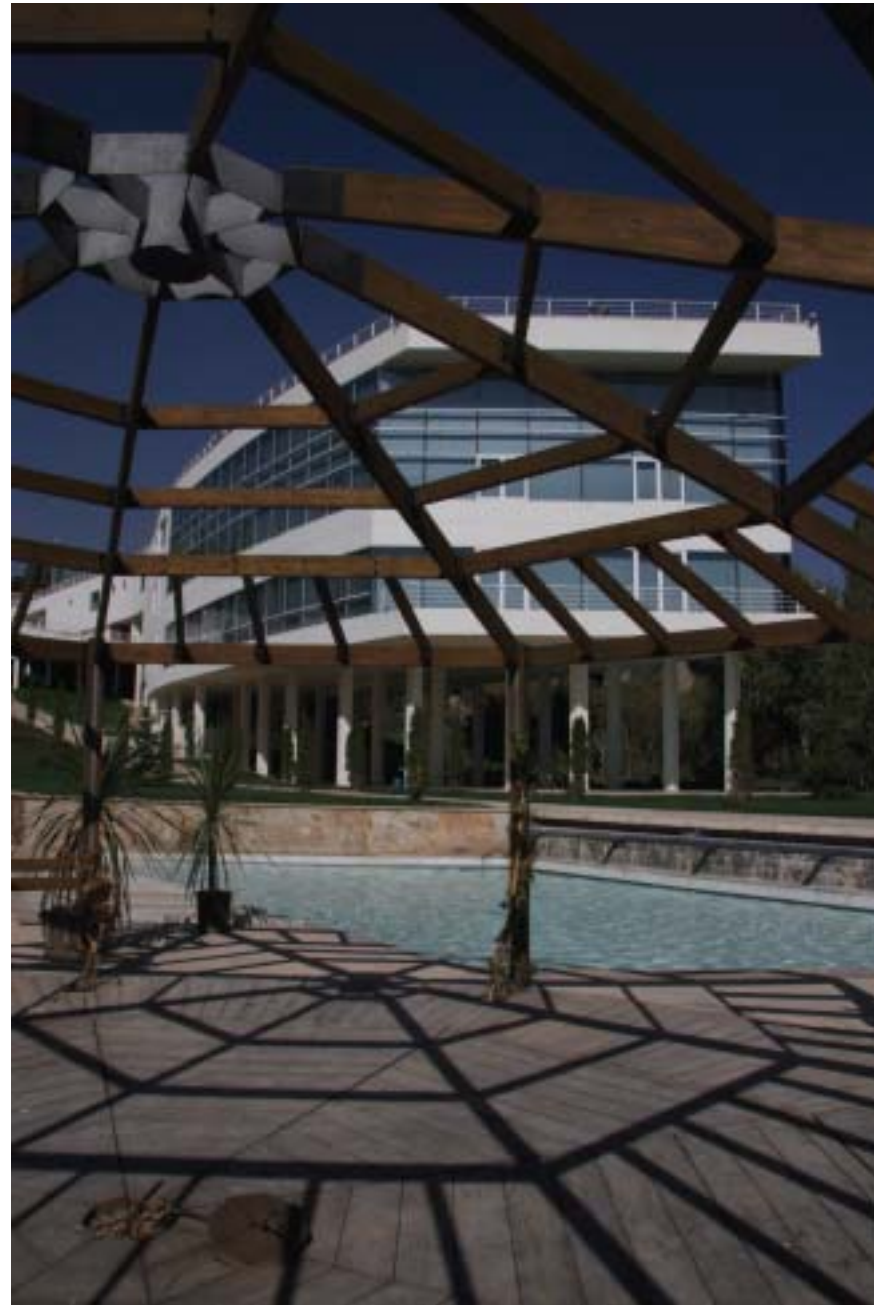


تصویر ۶- مهر شوش (موزه لوور)



تصویر ۷- مهر شوش

باغ ایرانی حیات خود را مدیون آبی است که در نقطه‌ای وارد باغ می‌شود - یا از زیرزمین یا از رو- مدتی در باغ می‌چرخد و شیب طبیعی باغ را طی می‌کند و در این چند لحظه به انسان شور و حالی می‌دهد، سپس از باغ خارج می‌شود تا اراضی کشاورزی را آبیاری نماید. این هدف کاربردی - آبیاری زمین‌های زیر کشت- رسالت اصلی آن رشته قنات یا مسیلی است که چند لحظه‌ای هم در باغ مکث نموده است. باغبان ایرانی کرت بندی و شیب کلی باغ را طوری تنظیم می‌نموده که کمترین



تصویر ۱۷- آلاچیق



فریدون بُدُر از فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز و دارای مدارک لیسانس و فوق لیسانس معماری از دانشگاه تگزاس در آستین می‌باشد. پیش از انقلاب در دفتر نادر اردلان به عنوان طراح ارشد مشغول به کار بود، سپس مدتی در شرکت MOS در شیکاگو شروع به فعالیت نمود. طی بیست سال در هیوستون (تگزاس) در شرکت‌های بزرگ معماری همچون P.K.F و A.G.P فعالیت نمود و طراح پروژه‌هایی نظیر بیمارستان‌های Memorial و برج اداری نفت ماراتن، ترمینال C و D فرودگاه بین‌المللی هیوستون بوده است. در سال ۱۳۸۳ به همراه فریاد جواهریان مهندس مشاور گام ما (GAMMA) در تهران را تاسیس نمود.

سد لتیان و تپه‌های روبرو را به نمایش گذاشته است. محورهای طولی به سوی همین منظره نگاه می‌کنند و طبیعی بود که با کاشت درخت در دو طرف این محورها، این منظره را قاب کنیم. از سوی دیگر اگر در دو طرف محوره‌های عرضی درخت می‌کاشتیم، جلوی منظره رودخانه را می‌گرفتیم. بنابراین نظام کاشت در این باغ فقط شامل دو طرف محوره‌های طولی می‌شود و گاهگاهی تک درخت‌های مهم و بزرگ داخل کرت‌ها. از طرف دیگر، با نظریه جانمایی کاربری‌های مختلف در باغ، پارکینگ و زمین تنیس در ضلع غربی، گلخانه، کتابخانه، محوطه استخر در وسط، آب‌نما، آلاچیق و محوطه باز جهت بازی بچه‌ها در ضلع شرقی، درخت‌های سخت و دائمی را از بالای زمین اندک اندک به سوی درخت‌های «نرم تر» و گل دار و شکوفه‌دار در پائین باغ مرتب نمودیم. آخرین کرت‌ها فقط درخت‌های میوه دار هستند که چند درخت گلابی هم در همان منطقه موجود بودند. وسیع‌ترین کرت‌های گل کاری شده به دور آب نمای دوزنقه شکل قرار دارند، با سطوحی کمی شیب‌دار که از آلاچیق و مهتابی بهتر و بیشتر دیده شوند.

آلاچیق که سقفی باز دارد، در شب‌های مهتابی امکان رویت ماه در آسمان و در آب نما را می‌دهد و هشت بته گلیسین دور آن کاشته شده است. گلیسین -شبه میوه بهشتی انگور- و درخت انار برایم همیشه جایگاه خاصی در باغ‌سازی دارند و باید در مکان‌های مهمی کاشته شوند.

محور اصلی با سرو شیرازی تعریف شده که آن نیز نقش مهمی در باغ و معماری ایرانی دارد. این محور پله‌ای عرضی و تشریفاتی دارد، تداعی‌کننده پله‌های تخت‌جمشید و با کاشت سرو، این بازنگری تاریخی

تشدید می‌شود. بین سروها، بته‌های رز سفید کاشته شده‌اند که عطر ملایمی در طول این محور پراکنده می‌کنند.

حتی باغ میوه هم کرت بندی شده است و در اینجاست که چهارباغ عینیت یافته است و حوض کوچکی در تقاطع راه‌ها قرار گرفته است. گلخانه عظیمی در کنار گودال باغچه قرار دارد که هیچ باغ ایرانی بدون گلخانه کامل نیست.

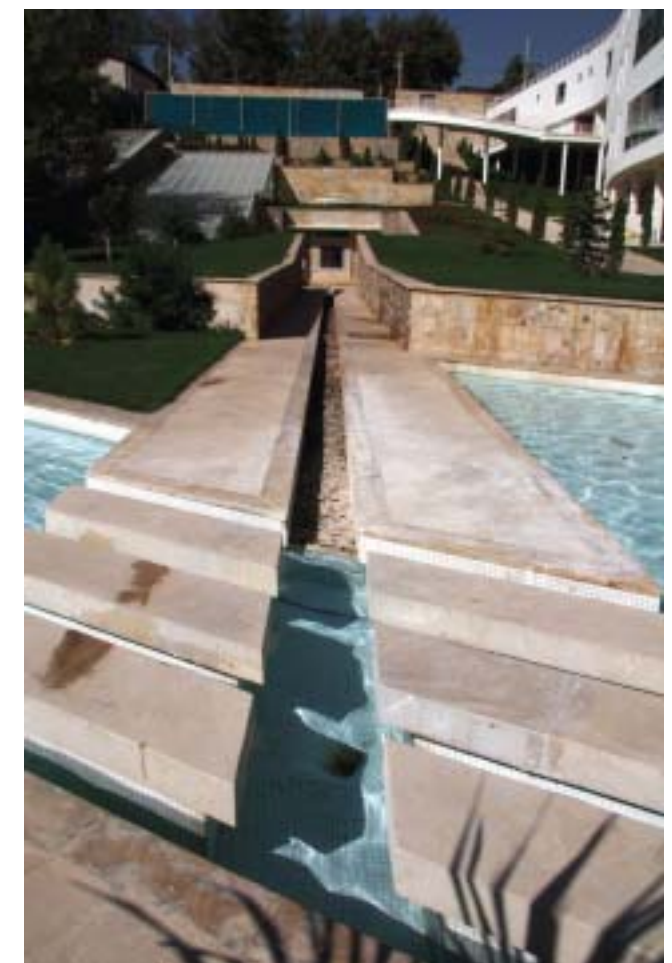
جزئیات باغ سازی لواسان در ۷۰ شیت ۳A ترسیم شدند و با دقت بسیار بر هر گوشه و کنار آن کار شده است. حال اینکه آیا این همه دقت به کمی لذت در صاحبان باغ انجامیده است، سوالیست که از آنها باید پرسید.

مرحوم مهریار که همراه محمد رضا جوادی از ابتدای راه با من همکاری نمودند، تا همایش باغ ایرانی را بر پا نمایم، می‌گفت « این همایش را باید ۵۰ سال پیش می‌گذاشتیم». درست است، خیلی غفلت کردیم و خیلی از باغ‌هایمان را از دست دادیم ولی باز هم جلوی ضرر از هر جا گرفته شود منفعت است (better late than never) ! اکنون باید به فکر ساختن باغ‌های ایرانی جدید باشیم، که هم مدرن باشند و هم جوابگوی نیازهای کنونی مان، اما حتماً حال و هوا و عطر و بوئی از باغ‌های سنتی گذشته مان داشته باشند.

محوره‌های باغ لواسان به دو قسمت مشخص تقسیم شده‌اند: آنهایی که قائم به هم هستند و آنهایی که زاویه دارند و از زاویه انتهایی ساختمان پیروی می‌کنند. این ساختمان را مرحوم میرمیران طراحی نمودند و کمی شبیه یک کشتی می‌نماید. مرحوم میرمیران هیچ ابائی نداشت که طرح باغ ایرانی با ساختمانی کاملاً مدرن آمیخته شود و خود او برای فضای «پارک» مانند جلوی کنسولگری فرانکفورت، طرح باغ فین را پیشنهاد نموده بود. نمی‌دانم آیا هیچ وقت این طرح باغ‌سازی اجرا شد یا خیر. در لواسان کاملاً واضح بود که طرح باغ‌سازی می‌بایست جوابگوی طرح ساختمان باشد و خطوط اصلی بنا را در خود ادامه دهد. طرح باغ لواسان از همان اولین اسکیس‌های دستی که فریدون بُدُر ترسیم نمود، مورد علاقه مهندس میرمیران قرار گرفت. نتیجتاً زاویه محوره‌های عرضی، کرت‌های نامنظمی بوجود آورده، با اشکال دوزنقه‌های متفاوت و حتی مثلث.

از طرف دیگر شیب تند زمین باعث شد که طرح کلی به صورت باغ تخت طراحی شود و در طول باغ کرت‌ها با دیواره‌های سنگی از هم جدا شوند. در طول باغ لواسان ۷ ردیف دیواره سنگی، شش سطوح مختلف را در باغ تعریف نموده‌اند، که با احتساب گودال باغچه ۷ سطح می‌شوند و هر کدام از این سطوح کاربری‌های متفاوت و شکل‌های متفاوت دارند و بنابراین مکان‌های کاملاً متفاوتی بوجود آوردند. این گونه تنوع در باغ‌های رسمی مان کمتر وجود داشته است، ولی با زندگی معاصر کثرت‌گرا بیشتر سازگار است. مثلاً در باغ شازده ماهان همه سطوح از آغاز تا پایان تکرار می‌شوند که البته در هنر باغ‌سازی مان «تکرار» معنای خاصی داشته است.

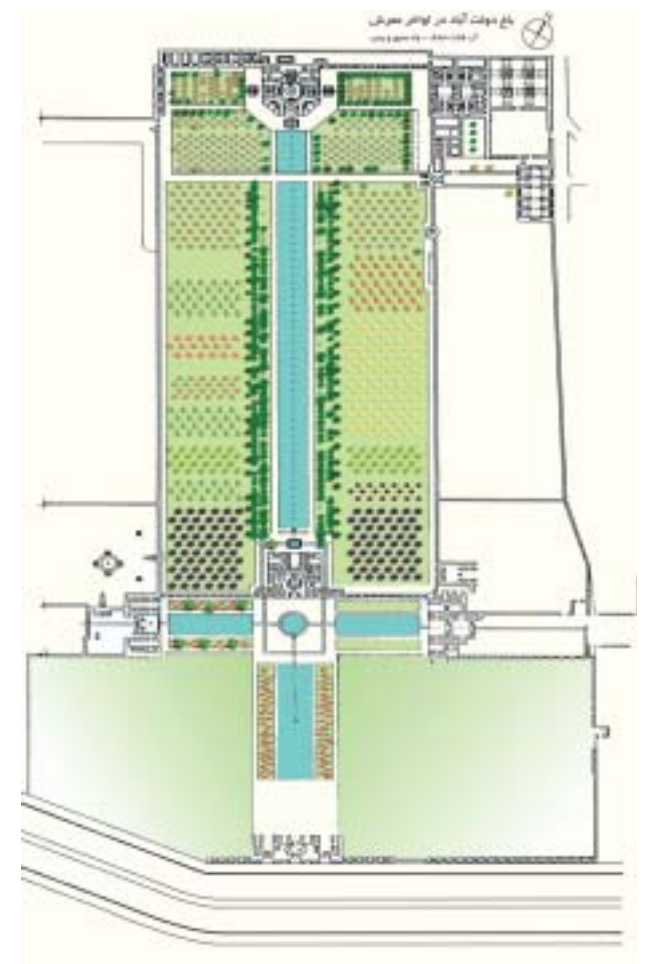
بهترین منظره طبیعی باغ لواسان در سراسر ضلع شرقی آن قرار دارد که رودخانه



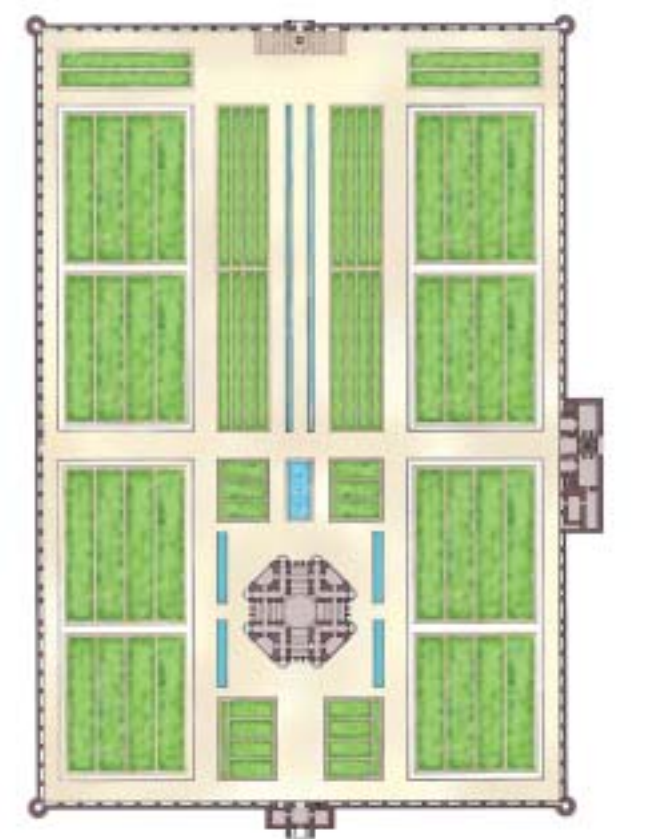
تصویر ۱۶- سطوح مختلف باغ

یک راه عبوری محیط باغ را طی می‌کند، که دیگر نمی‌توان به آن نام «محور» را داد، زیرا بیشتر حالت خدمات‌رسانی دارد- بخصوص برای باغبان. این راه در اکثر باغهای رسمی‌مان نیز وجود داشته است، و در دو نمونه زیر به وضوح پیدا هست.

(تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵- باغ دولت آباد (ترسیم فریدون بدر)



باغ مصلای نائین (ترسیم سید صالح نیاکونی)